

## سردار کابلی

- ۷ -

سردار کابلی از زبانها: فارسی، عربی، انگلیسی، عبری، اردو و هندی رامیدانست و باندکی فرانسه و لاتین و سانسکریت هم آشنا بود. از میانه این زبانها بر ادبیات عربی و انگلیسی وقوفی عظیم داشت تا آنجا که بر برخی از کتب مشهوره لغت این دو زبان استدراکاتی نوشت. انگلیسی را بالهجه انگلیسی تلفظ میکرد نه با لهجه امریکائی که اغلب کلمات را بگونه دیگر بر زبان میآوردند، فارسی و عربی را بالهجه افغانی تکلم مینمود و در موقع خواندن کتب عربی کلمات را با تجوید میخواند و هر حرفی را از مخرج ادا میکرد. باغلب السنه‌ای که میدانست چیز مینوشت و بجهار زبان از آنها هم که عربی، انگلیسی، فارسی و هندی باشد شعر میگفت. در هنگام قرائت کتب علمی عربی بحدی عبارات را مطابق قواعد نحوی درست میخواند که اکثر اوقات شنونده آشنا بان زبان معانی جمله‌ها حتی جمله‌های معقد را - از همان طرز قرائت او درک میکرد و باسانی میفهمید. او همچنین بر زبان عبری مسلط بود و در ادبیات آن زمان تحقیقاتی داشت، بعض نظریات «اب انستاس ماری کرملی» دانشمند مسیحی مشهور عراق را راجع بفقہ اللغه برخی کلمات عبری تخطئه میکرد و در باب لغت عربی نیز پاره‌ای آراء او را که در رساله‌ای در انتقاد قاموس عربی «البیستان» تألیف عبدالله بستانی ادیب لغوی لبنان اظهار داشته بود در حواشی نسخه‌ای از همان رساله رد نمود. بر بعضی کتب لغوی و ادبی زبان عبری حواشی و تعلیقات و توجیحات و تنبیهاتش نوشت که ارزش فراوان دارد و چنانکه علامه حاج آقا بزرگ تهرانی در جزیه اول از قسم ثانی کتاب «اعلام الشیعه» ذیل ترجمه آن جناب نوشته است یکی از

همین قبیل کتابها که عبارت از قاموسی در لغت عبری بوده و تعلق بسردار داشته و او حواشی و تعلیقات زیاد بر آن نوشته بوده است اکنون در تملک آقای دکتر حسینعلی محفوظ میباشد که آقای حاج آقا بزرگ آنرا دیده است. اغلب اوقات که با مرحوم نصیرالاطباء جد آقای دکتر محمد معاضد مجالست مینمود چون نصیرالاطباء که جدیدالاسلام بود علاوه بر تبحر در طب قدیم در ادبیات زبان عبری و احاطه بر اخبار قوم یهود از احبار بشمار میرفت پیرامون آیات «تورات» و قصص «تلمود» بحثهایی میکردند و اشعار عبری میخواندند.

هنگامی که بترجمه انجیل برنابا از عربی و مطابقت آن با اصل ترجمه انگلیسی مشغول بود در موارد زیاد در حاشیه نسخه عربی ایراداتی بر ترجمه دکتر خلیل سعادت مترجم عربی انجیل مزبور میگرفت و مینوشت؛ چون کلمه یا جمله انگلیسی چنانست ترجمه عربی آن چنین است. این نسخه نیز اکنون در تملک آقای دکتر محفوظ است و آقای حاج آقا بزرگ تهرانی در کتاب سابق الذکر مینویسد: من این نسخه را نزد آقای دکتر محفوظ دیدم، حواشی آن بعبری و انگلیسی پر از تعلیقات سردار بود در آنجا پیرامون بعض کلمات لغوی که مورد استعمال عرب بوده است تحقیقاتی دیدم و همچنین فوائد عده‌ای مشاهده کردم که دلالت بر اطلاع و احاطه و تضرع سردار بر هر دو زبان عربی و انگلیسی میکرد و بهمین جهت نسخه مزبور گرانبهاست. مرحوم سردار خود نیز در اواخر ترجمه فارسی انجیل برنابا بر سهوها و اشتباهات دکتر خلیل سعادت در ترجمه عربی اشاره فرموده است، زمانی که وی بترجمه این انجیل اشتغال داشت مصادف بود با نخستین سالهایی که من برای استفاده بخدمتش مشرف میشدم او اغلب اوقات بمنظور ارشاد و تعلیم بنده ایراداتی را که از جهت ترجمه بر ترجمه دکتر خلیل سعادت میگرفت بیان میکرد و برای اثبات صحت ایرادات خویش دیگر نشریه‌های انگلیسی را می‌آورد و می‌فرمود: ببین! این لغت دارای چنین معنایی است بنابراین ترجمه‌اش بعبری اینطور میشود.

بعلت تسلطی که وی بر زبانهای اردو، انگلیسی، عربی و هندی داشت در ایام جوانیش مرحوم مخیرالسلطنه هدایت و مرحوم میرزا عبدالرزاق خان مهندس بغایری او را بعنوان مترجم رسمی بوزارت خارجه ایران و سفارتخانه-

های انگلیس و آمریکا و عراق معرفی کرده بودند ولی با وجود دعوت‌های مکرر از طرف اولیاء وزارت خارجه ایران و متصدیان سفارتخانه‌های مزبور و ترغیب و تشویق دو شخص مذکور این کار را در هیچ جا نپذیرفت و بعدها هنگامی که من در تهران این موضوع را از مرحوم میرزا عبدالرزاق خان شنیدم و در کرمانشاه از او علت استنکافش را از قبول چنین کاری جويا شدم این ابیات را خواند:

چو بنانی دوسه و خوردنکی  
ساخته مختصری از چربو  
دروثاقی دوسه گز در دوسه گز  
با لباسی ز کهن یا از نو  
میتوان ساخت چه میباید بود  
بسته بستگی تو بسر تو

وی برستی مردی بود که جاه و مقام او را نمیفریفت یا کم نمیفریفت و لطف کار در این بود که هیچگاه افتخار بترك جاه و مقام هم نمیکرد و مانند شیخ آذری نمیگفت :

من ترك هند وجیفه چپال گفته‌ام  
باد بروت جونه بیک جونه میخرم  
حوادث ایام و قترات لبالی را آنقدر دیده بود که طبعاً میل بگوشه گیری و عزلت داشت و بارها دیدم باحالتی مخصوص این ابیات را خواند :

انست بوحدتی ولزمت بیئی  
فطاب الانس لی و صفا السرور  
وادبئی الزمان فلا ابالی  
بانی لا ازار ولا ازور  
ولست بسائل معاشت یوماً  
اسار الجند ام ركب الامیر

با آنکه از دانشمندان ذوفنون و جامع بشمار میرفت و عالم با کثر علوم قدیمه و جدیده - حتی علوم غریبه بود تخصص بسیار در اقسام علوم ریاضی ، ادبیت، فقه ، کلام و حدیث داشت و در هر يك از این علوم محقق و صاحب نظر بود ، بیشتر اوقاتش را صرف مطالعه یا نوشتن کتاب میکرد و لا اقل در شبانروز قریب بهشت ساعت از وقتش مصروف اینکار میشد، از کتبی که همیشه بدانها مراجعه مینمود «تاج العروس» و «دائرة المعارف بریتانیا» بود و کمتر روز و شبی براو میگذشت که کتابی در ریاضیات مطالعه نکند . اکثر کتب کتابخانه اش را از اول تا آخر خوانده بود، هر کتابی را که میخرید ضمن مطالعه اغلاط آنرا تصحیح میکرد و بر آن حاشیه مینوشت ، برای بیشتر کتابهایش که چاپ قدیم و فاساد فهرست بودند فهرست تهیه مینمود ، یکی از این کتابها «اسفار» ملا صدرا بود

که آنرا بانسخه‌ای که تعلق باستاد دانشمند مرحوم میرزا فضل‌الله خان آشتیانی داشت و آقاعلی مدرس بوسیله همان نسخه تدریس میکرده است اولاً از آغاز تا انجام مقابله کرد ثانیاً غلطات و سقطات بسیاری که در نسخه چاپی راه یافته و موجب اشکال فهم مطلب شده بودند همه را تصحیح نمود ثالثاً خود فهرست دقیقی در ۵۸ صفحه بقطع رحلی برای مطالب آن تألیف کرد که مرحوم آشتیانی و من هر کدام آنرا رونویس و باول کتاب خود الصاق کردیم، نمونه این نوع کارها و دقت نظرش را میتوان در مقدمه دانشمند معظم آقای محدث بر کتاب شرح فارسی «شهاب‌الخبار» که از انتشارات اداره کل اوقافت ملاحظه نمود. وی خط نسخ و نستعلیق شکسته را خوب مینوشت و در همان مقدمه آقای محدث میتوان نمونه این دو خطش را هم که از حواشی و تعلیقاتش بر کتاب شهاب تألیف قاضی ابوعبدالله محمد بن سلامه قضای نقل و گراور شده است مشاهده کرد.

سردار کابلی چون اسناد و اتصال روایت را از شرائط اجتهاد میدانست از اینرو باجازه اهمیت فراوان میداد و مشائخ اجازه‌اش این بزرگان بودند :

(۱) سید حسن صدر (۲) میرزا محمدعلی رشتی نجفی (۳) حاج سید عباس لاری (۴) حاج شیخ عباس قمی (۵) حاج سید یحیی خراسانی (۶) سید محسن امین‌عاملی (۷) حاج آقا بزرگ تهرانی - رحمهم الله تعالی.

از میانه مشایخ اجازه‌اش من بسعدت زیارت چهارتن از آنان نائل شده‌ام و آن چهارتن بترتیب تاریخ دیدار عبارتند از: حاج سید عباس لاری، حاج شیخ عباس قمی، حاج سید یحیی خراسانی و سید محسن امین‌عاملی.

مرحوم لاری از فقهاء و محدثین بزرگ بود که در شهر «کنگاور» اقامت داشت، گاهگاه بکرمانشاه می‌آمد و من او را در منزل پدرم قبل از آنکه بسن بلوغ رسیده باشم دیدم، جز سعادت دیدارش فیض دیگری از وجود او نصیب نگردیدم، حاج شیخ عباس قمی را در مشهد و قم آنگاه که بتحصیل علوم دینی اشتغال داشتم زیاد ملاقات کردم، در مشهد مقدس از او استدعا نمودم چند روزی مقدمات تفسیر «صافی» را بمن درس دهد تا سعادت اختصاص باستماع اخادیدی که در ضمن آنها روایت شده است از زبان محدث مجازی نصیب شود او باوجود

اشتغال دائم که در آن ایام مانند همیشه بتألیف کتاب داشت استدعایم را پذیرفت و در مدت دوازده روز هر روز یکی از مقدمات دوازده گانه آن تفسیر را بشیوه محدثین روزگاران پیش قرأت کرد و توضیحاتی داد که از همانها میتوانستیم باندازه استعداد خود درجه تبجش را در ادبیت، تفسیر، حدیث و رجال بشناسیم، بنا بر توصیه مرحوم سردار مدتی که در مشهد اقامت داشتم گاهگاه بخدمت آن محدث جلیل‌القدر میشتافتم و چون او میدید با اینکه از خانواده روحانی نیستم و ملبس بلباس طلاب علوم دینی هم نمیباشم بتحصیل اینگونه علوم علاقه نشان میدهم مرا مورد مهر و عطوفت قرار میداد و غالباً کتبی که میخواستیم برای مطالعه در اختیارم میگذاشت. سردار کابلی میفرمودند من مایل بودم از طرف حاج میرزا حسین نوری علیه‌الرحمه که ثانی‌اعلاء مجلسی بود مجاز بنقل حدیث شوم ولی چون این سعادت را ادراک نکردم آنرا بوسیله کسب اجازه از شاگردش حاج شیخ عباس قمی استدراک کردم.

اما حاج سیدیحیی خراسانی اهل مشهد بود و در آنجا بمیرزا یحیی نحوی شهرت داشت، وی سالهای آخر عمر بکرمانشاه آمد، صاحب حافظه قوی بود و در فقه، حدیث، ادبیات عرب و تفسیریدی طولانی داشت، بسیار حدیث در خزانه حافظه حفظ کرده بود و تمام قرآن را از برداشت، دارای مشرب اخباری بود و در کرمانشاه مجلس تفسیر قرآن داشت که هر شب عده کثیری از محضرش استفاده میکردند، چند ماهی من شرح شریعی بر مقامات حریری را نزدش درس خواندم براستی مدرس بود و بخوبی از عهده بیان آنچه تدریس میکرد برمیآمد اما افسوس که سوء خلقی عظیم داشت تا آنجا که در مدت اقامتش در کرمانشاه جز سردار کابلی با هیچیک از علماء آنجا نتوانست مأنوس گردد، پدرش سید محمد هروی نیز از علماء مشهد بوده و تألیفات بسیار داشته است. ( ناتمام )